



مرکز مجاز امام صادق (علیه السلام)

اصول الفقه (عام و خاص)

برخی مصادیق مجمل

جلسه ۱۵۴

استاد نجار زاده

برخی مصادیق مجمل:

آیه شریفه: و السَّارِقُ و السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا.

لفظ «قطع»:

کلمه «قطع» گاهی بر بریدن و زمانی بر مجروح نمودن اطلاق می‌گردد؛ چنانچه کسی که دستش را با کارد مجروح ساخته می‌گویند: فلانی دستش را قطع کرد؛ همان طوری که وقتی با آن دستش را ببرد به طوری که گوشت دست شق گردد؛ می‌گویند فلانی دستش را قطع نمود.

لفظ «ید»:

کلمه «ید» گاهی بر تمام دست اطلاق می‌شود و زمانی بر کف دست تا بیخ انگشتان و در پاره‌ای اوقات بر مقداری از عضو یعنی از مچ به پائین ید می‌گویند و احیانا از مرفق و آرنج به پائین آنرا اطلاق می‌کنند؛ مثلا می‌گویند: تناولت بیدی (با دستم گرفتم)؛ در حالی که وی با کف بلکه با بند انگشتانش گرفته.

نظر مصنف:

حقّ این است که آیه شریفه از ناحیه لفظ «قطع» مجمل نیست زیرا آنچه از این لفظ به ذهن تبادر می‌کند، «ابانه و جدائی» است؛ لذا وقتی بر جراحت آن را اطلاق می‌کنند، مسلماً به این اعتبار است که بخشی از دست جدا گردیده؛ پس مسامحه در بکار بردن لفظ «ید» بوده نه کلمه «قطع» و اما از جهت کلمه «ید» وقتی این لفظ را بدون قرینه ذکر می‌کنند تمام عضو مخصوص به ذهن تبادر می‌نماید؛ ولی قطعاً در آیه شریفه این معنا مراد نیست لذا مراد است بین اینکه مراتب متعدّد از انگشتان تا مرفق اراده شده باشد زیرا بحسب فرض وقتی تمام عضو از آن مراد نبود معنای مقصود مراد می‌شود در هر يك از مراتب و نسبت به هیچیک بخصوص ظهوری ندارد و بدین ترتیب آیه از این نظر فی حدّ نفسها مجمل است اگرچه به ملاحظه احادیث مبین است.